



۲۰۱۴/۰۴/۱۵

دستگیر روشنیالی

## آغاز تاریخ نوین

**نیروی ما در نیروی من و بیداری ما در بیداری من است  
مردم دولتی نمیشوند دولت باید مردمی شود**

جامعه افغانستان تازه با دمکراسی و تمرین ان آشنا می‌شود. دیروز برای ما نهایت دشوار بود که از مردم و عملکرد آنها یک تعریف مشخص را ارایه کنیم. اما انتخابات پیروزمند و تاریخی ما را اموخت و نشان داد که بهترین شناخت و بهترین تعریف از مردم و عملکرد آنها در جریان تحولات گرم سیاسی و اجتماعی به عمل می‌آید و همین انتخابات است که مضمون و سمت سیاست دولت آینده افغانستان را تشکیل می‌دهد.

مردم افغانستان با شهادت و جرئت جمعی خویش بنیاد تاریخ نوین را گذاشت، تاریخ اراده و تاریخ تصمیم مردم. تفاوت تاریخ نوین با زمان‌های گذشته در این است که این بار تاریخ نه به اساس اراده پادشا و دیکتاتور، نه به اساس تانک و قوماندان، نه به اساس انقلاب و کودتا و نه به اساس قهرمان و اتل... بلکه به اساس اراده مردم و به اساس بیداری سیاسی مردم آغاز میگردد و این نشان میدهد که در حیات سیاسی مردم تغییراتی عمیقی بوجود آمده و دیگران ان زمان گذشته است که با مردم چون گله برخورد شود و این و ان را بحیث رهبر، نابغه، پیشوا و امرالمومنین... بر آنها تحمیل گردد. مردم افغانستان، مردم سی سال، پانزده سال و پنج سال پیش نیستند.

تاریخ نه به اساس نیت ها و ارمانها ساخته میشود و نه از روی ارمانها نوشته میگردد. تاریخ در راه و سمتی که از قبل تعیین شده باشد "جبر تاریخی" حرکت نمیکند. تاریخ بعد از انتخابات تاریخ پیش از انتخابات نمی باشد. در افغانستان نیروی بالقوه مردم به نیروی بالفعل مبدل شده و سمت تاریخ را تغییر داده است و بخاطر ادامه این روند و به خاطر ادامه این تاریخ مردم منتظر تصامیم بزرگ و شهادت سیاسی ریس جمهور آینده افغانستان بویژه در برآورده شدن ضروریترین خواست مردم یعنی ختم جنگ می باشند. فراموش نکنیم که بعضا تصامیم بزرگ سیاسی سمت تاریخ را نیز تغییر داده می تواند.

مردم نشان داد که دارد از حالت انتظار و پاسیفسم بیرون میشوند و فیصله کرده اند که یک دوران طولانی غم انگیز دیکتاتوریهها و استبداد سیاسی را پشت سر بگذارند. مردم هم چنان تصمیم دارند تا بر بی تفاوتی و سهل انگاری خویش نیز غلبه کنند و آنچه که بر اثر سهل انگاری، و بی تفتاتی شان رخ داده است تلافی نمایند و خود را از اوضاع وخیمی که در آن بسر می‌برند نجات دهند.

مردم افغانستان مثل تمام مردم جهان لیاقت و شایستگی آزادی و سعادت دارند و حق شان است که در این راه پیروز شوند، زیرا این مردم نه تنها بجای خود بلکه بجای دیگران هم در راه بیداری سیاسی و در راه آزادی بهایی بزرگ می پردازند. انتخابات نشان داد، زمانی که مردم به پا

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

می‌خیزند می‌توانند سرنوشت خود را به دست خود بگیرند و در غیر آن بسوی نابودی خواهند رفت.

مردم به یکبارگی برادر، برادرها و "براداران" را شکست دادند و تصمیم گرفتند که دیگر نه باید دروازه های مصیبت ها، محدودیت ها و مشکلات نوین را بر روی خود باز کنند و یا سرنوشت خویش را به آنها بسپارند که دست اوردهای دموکراتیک سال های اخیر را از بین ببرد و جامعه را به نام "نظام الهی" به عقب ببرند. معنی این اقدام عقلانه مردم اینست که دوران شوم و فاجعه اور حاکمیت یک حزب، حاکمیت یک تفکر، حاکمیت یک فرد و حاکمیت یک تنظیم برای همیشه سپری شده است و پیشواها، رهبرها، امیرها... به شکست همیشگی مواجه شده اند. مردم بصورت آشکار و واضح ساده انگاری، سیاست های احساساتی و سیاست جیل حامد کرزی را رد نمودند و از همین جا است که ناکامی زلمی رسول آغاز گردید.

مردم افغانستان هم به خاطر امروز و هم برای آینده اراده کردند تا به جای دیکتاتوری با دموکراسی همراه شوند. این مردم دیگر نمی خواهند خود را با این حزب، با این تنظیم، با این رهبر... همراه سازند و حالا باید احزاب، تنظیم ها و رهبران !! باشند تا خود را با مردم همراه کند و این به معنی ایجاد فرهنگ سیاسی نوین می باشد و دیگر تحولات و تغییرات سیاسی و اجتماعی به جای پیشوا و ایدئولوژی کار خود مردم می باشند. مردم در تعیین قدرت حق حرف اخیری را بدست آورده است و این بزرگترین دست آورد دموکراسی است.

جوانان در این انتخابات نقش بزرگ، برجسته و سازنده داشتند و باید این نسل سیاسی شده را به نام اولین نسل بیدار سیاسی افغانستان نامیده شود. نسل جوان درک کرده و در عمل اموخته اند، اگر از یک طرف به استعداد ها و توانایی های خویش و از طرف دیگر به خواست های زمان پشت کنند به چپ مصیبت های ناگواری محکوم خواهند شد. این نسل میدانند که در صورت بازگشت دیکتاتوری خشن مذهبی نه تنها افغانستان را قرن ها به عقب می اندازند، بلکه خود جوانان با شرنوشتی شومی گرفتار میشوند. نسل جوان میدانند که زمان ان فرا رسیده تا هویت، فردیت و شخصیت خویش در دست خود داشته باشند و به اساس تفکر آزاد و اراده مستقل عمل کرده و از پیروزی موجود تاریخی به پیروزی دیگری تاریخی نزدیک شوند. نسلهای امروز نظری به آینده دارند و می خواهند آزادی در تصمیم و استقلال در اراده را به نسل های آینده نیز محول کند تا آینده روشن باشد.

انتخابات تصور ما در باره افغانستان تغییر داده است و من به آینده روشنی که در انتظار افغانستان است بیش از پیش باورمند میشوم. در واقعیت انتخابات نظریات ما را دگرگون کرد و ما باید اعتراف کنیم که ما از جامعه و نبض جامعه درک خوبی نداریم.

### جشن دموکراسی سیاسی

بدون شک در افغانستان دموکراسی در بخش سیاسی رشد شایانی کرده است و مردم از حقوق سیاسی برخوردار شده و در این زمینه دست اوردهایی دارند که برجسته ترین ان انتخابات اخیر می باشد که تاریخ هرگز عظمت و بزرگی ان را فرموش نخواهد کرد. دموکراسی سیاسی مهمترین بخش دموکراسی بوده و استقرار ان به معنی آزادی در حیات سیاسی جامعه می باشد. در چین با وجود پشرفت و رشد چشمگیر اقتصادی مردم خود را آزاد احساس نمیکنند و عدم موجودیت دموکراسی است که چینی ها از حقوق برابر سیاسی برخوردار نیستند.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

دموکراسی سیاسی به معنی دموکراسی در یک کشور نمی باشد. برای ایجاد دموکراسی ضرورت است تا بخش های سیاسی، اجتماعی و حقوقی در رابطه با هم و درهم اهنگی با هم بسوی دموکراتیزه شدن رشد و انکشاف نمایند. در افغانستان این رشد متناسب و هم اهنگ نه بوده و دموکراسی در بخش های اجتماعی و حقوقی با مقاومت های سخت و موانع بزرگی مواجه می باشد.

### دشواریها و روزهای سخت آینده.

مردم افغانستان بسیار خوب می دانند که در زمان عادی و آرام زندگی نمی کنند. بیش از سی سال است که در جنگ بسر می برند و بر علاوه ای خسارات مادی عظیم هر روز قربانی می دهند. خوب! این حالت تنها مشخصه افغانستان نیست. دیگر کشورها هم در جنگ ها و انقلاب ها بسیار متضرر شده اند و خسارات بسیاری زیادی را متحمل شده اند. اما جوامع زنده و مردم بیدار با همت، پشتکار و فداکاری بر دشواریها و خسارات غلبه کرده اند.

در تاریخ بشریت نمونه های زیادی شکست ها و ویرانی اقتصادی وجود دارند. در نتیجه جنگ دوم جهانی ژاپن و جرمنی سخت متضرر و ویران شدند. در جرمنی شهرهای ویران شدند، خانه ها سوختند، سراسر این کشور به مخروبه تبدیل شده و بین روسیه، امریکا، فرانسه و انگلستان تقسیم گردید. اما این کشور ویران شده در مدت بسیار کوتاه به یکی از بزرگترین قدرت جهان مبدل شد. هم چنان جاپان خود را از خاکستر بمب اتم بلند کرد. مردم افغانستان هم نیرو و هم استعداد غلبه بر ویرانی موجود دارند. اما جنگ جاری چگونه خاتمه یابد؟

### پرادوکسل ها، نا هم اهنگی ها و تضاد ها

به خاطر پشرفت در یک جامعه ضرورت است تا از یک طرف تغییرات سیاسی با تغییرات ذهنی و فکری همرا باشند و از طرف دیگر ساختارهای سیاسی، حقوقی و اجتماعی در هم اهنگی با هم رشد و عمل کنند و تغییر و تحول دمکراتیک به دموکراتیزه کردن همین ساختارها ضرورت دارند. در افغانستان این ساختارها ترکیبی از نا هم اهنگی ها، تضاد ها و پارادوکسل های بسیار پیچیده و دشوار می باشند که در آنها عناصر درونی با هم سازگاری و هم اهنگی ندارند،

- عدم هم اهنگی بین ساختارهای دمکراتیک و ساختار های کهنه اجتماعی و فرهنگی در جامعه.
- عدم هم اهنگی بین ساختار ها و ارزش ها. مشکل افغانستان در اینست که ساختارهای نوین را قبول می میکنند ولی ارزش های انرا نمی پذیرند و این خود یک برخورد بحران زا می باشد. در برخی موارد تلاش میگردد تا ساختار نوین را با ارزش های و وسایل کهنه ترکیب کند که نتیجه ان بدنامی و ناکامی ساختار جدید می باشد.
- در افغانستان اعلامیه حقوق بشر قبول شده و در قانون اساسی این کشور هم انعکاس یافته است ولی ارزش های این اعلامیه نه مراعات و نه هم تطبیق می گردد. ارزش ها نه تنها جز جدا ناپذیر ساختارها می باشد، بلکه ساختارها روی ارزش های معین تکیه میکند و هر ساختار اجتماعی - سیاسی ارزش های خود را دارند. ساختار دمکراتیک روی ارزش های دمکراتیک ساخته میشود.
- عدم هم اهنگی بین دموکراسی و قدرت. در افغانستان دموکراسی بدون دموکرات ها ساخته میشود. اگر برای رژیم شاهی در قدرت باشد، برای حکومت کمونست ها، کمونست ها

د پانو شمیره: له ۳تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در قدرت باشند، برای حکومت طالبان، طالبان در قدرت باشند و برای حکومت مجاهدین باید مجاهدین در قدرت باشند. پس چرا برای یک حکومت دموکراتیک دموکرات ها در قدرت نه باشند؟ تلاش های دولتی کردن جامعه و مردم همیشه تلاش های ناکام بوده و ناکام هستند. مردم دولتی نمیشوند دولت باید مردمی شود.

■ عدم هم اهنگی بین حاکمیت و قدرت . حاکمیت و قدرت از مفاهیم بنیادین جامعه است و رابط بین این دو باید روشن و معین باشد. این حاکمیت است که قدرت را مشروعیت داده و مضمون کار و عملکرد انرا تعیین میکند. اگر قدرت در کار و در پروسه تصمیم‌گیریهای مهم و کلیدی سیاسی از حاکمیت پیروی نکند رابط بین حاکمیت و قدرت از بین میرود و دولت در برابر جامعه قرار میگیرد. حامد کرزی در اتخاذ تصمیم بسیار مهم سیاسی به جای مردم، به جای نمایندگان مردم به چند رهبر جهادی مراجعه میکرد و تصمیم بیشتر به اساس منافع شخصی، تباری، حزبی، فامیلی... اتخاذ می گردید و در نتیجه همین سیاست حامد کرزی توانست خواست شخصی و جیل سیاسی خود را بالای جامعه تحمیل نماید.

■ تضاد عمیق بین خواست آزادی زنان و حاکمیت فرهنگ زن ستیز در جامعه، زنان از لحاظ ذهنی و فکری رشد چشمگیری دارد. طی سیزده سال اخیر پاندورایی دموکراسی و آزادی بیان پرده های ذخیمی را دریدند و واقعیات بسیار تلخ زندگی جامعه و خصوصاً زندگی زنان را روشن کردند. زنان به پیمانهای بسیار وسیع به خود می آیند، بر بیگانگی از خود غلبه میکنند، بخود مراجعه میکنند، اعتمادشان بخود افزایش می یابد و می خواهند دارای هویت و فردیت مستقل باشند و با داشتن شخصیت مستقل در کار جامعه اشتراک ورزند.

با وجود بندهای اجتماعی و فرهنگی عقب مانده ای که طی قرن ها انباشته شده اند دلایل زیادی وجود دارد که بگویم افغانستان به سرعت به سوی آزادی در حرکت می باشد. به عبارت دیگر در افغانستان حرکت بسوی ایجاد جامعه ازاد سرعت گرفته و جامعه ازاد مجموعه ای انسانهای ازاد می باشد. صدا و پیام آزادی به ان خانه ها هم سرایت کرده است که در آنها به افتاب اجازه دخول داده نمیشود.

زنان حق سیاسی را بدست آورده است و پیروزمندانه از این حق خود در انتخابات استفاده کردند. اما با وجود این دست آورد و دست آوردهای سال های اخیر زنان وضعیت سخت و پرادوکسل دارند. زنان از یک طرف می تواند در انتخاب ریس جمهور حق تصمیم مستقل داشته باشد و بگویند، من با اراده مستقل به مرکز رایه گیری میروم و با رایه ازاد خود ریس جمهور کشور را تعیین میکنم. ولی درعین حال زنان درانتخاب زندگی و آینده شان از چنین حق مستقل برخوردار نیستند و نمی توانند بگویند، من حق دارم در باره زندگی و آینده خویش با داشتن اراده مستقل تصمیم بگیرم. زنان با ازدواج های جبری مواجه استند، در کودکی عروس می شوند و چون شی و حیوان بالای شان معامله صورت میگیرد. آزادی زن در لغوه اصولی می باشد که زن را به انسان درجه دوم و یا به درجه شی پایین آورده است.